

## قفس ، قبر ، قیامت ....

این سه کلمه هم آوا و هم معنا ، قانونمندی های کشوری را می سازند که خود هر روز در آتش ( بی قانونی ) ها متر متر خاکستر میگردد !؟

فرب کاران ( قانونی ) با اتکاء به قانون خودساخته ، که خدمتگار بی بدیل منافع شان است با خوپذیری برای انباشتن پول از مجرای غیرقانونی ، غیراخلاقی و فساد اداری سرزمینی را به قفس و قبر و قیامت تبدیل نموده اند هرزنده جانی « اگر به معنای واقعی آن زنده باشند » در آن سرزمین خود را زندانی ( قفس ) ستم ، حق تلفی و زورگوی می بینند ، آنها زاغه های ویرانه ، سرد ، خالی و تاریک خویشرا ( قبر ) می انگارند ، وقتی بمب و تفنگ حرف اول را میزند و زمان هر لحظه خون تازه میخورد ، خون تازه بیگناهان را ، وقتی خاک با خون رنگ میشود و بوی اندامهای سوخته آدمها بوی باروت بمب های انتحاری را مضاعف میسازد ، آنها در زیستبوم شان ( قیامت ) را بوضاحت مشاهده مینمایند ... مگر قیامت اینگونه تعریف نشده است : که آتش های مذاب و سرکش شعله میکشد ، که سیلاب خون جاریست و پیکرهای مسله شده شش جهت میدوند ، که صدای ضجه و شیون از ستم و زجر کارگزاران جهنم به هفت آسمان میرسد ، که وحشتناک ترین صحنه های تحمل ناپذیر و جانگداز قیامت را میسازند پس قیامت آنجاست ، در سرزمین من ، در آنجا بدست کارگزاران جهنمی ، خون و آتش و درد ، اشک و فریاد و ماتم نصیب باشندگانیش میگردد !!؟ با تفاوت اینکه در قیامت گنهکاران مجازات میشوند ، اما ، در سرزمین من مردم بیگناه عذاب قیامت را می بینند ....

( قانونی ) های غیر قانونی باسلطه جویی ها ، فوقیت طلبی ها ، زدویندها و سازش های رزیلانه خود در آن سرزمین هیچ چیز نمانده اند ، معنویت را تیرباران کرده و شرافت انسان را به دار زده اند ، بدترین نوع حکومت در اندیاز حکم میراند ، دستگاه فاسد با قصاب های ( قانونی ) استفاده جو ، رشوه ستان و وجدان مُرده اش در رده های بالای حکومت ( غیرقانونی ) به زالو های قانونی اجازه تطبیق قوانین پوچ و ابلهانه ای را میدهند تا زندگانی را در مرثیه ای اندوهبار « قفس و قبر و قیامت » برای انسانهای آن سرزمین تعریف نمایند .

آن مسخره های ( قانونی ) با ترویج نژاد پرستی ، تاراج دارایی های عامه ، بیکاری ، کارشکنی ، تعصب عقیدتی زبان زور ، بی بازخواستی ، فرار از منطق و استدلال ، سازش های مزورانه ، ترویج جنگ های داخلی ، قتل عام مردم غیر نظامی با بمبارد هواپیما های « فرشته های نجات » و فراهم نمودن زمینه اشغال وطن ، کشور را به پرتگاه سقوط کشانده اند !!؟

آن قانونی های ( قانون فرار ) برای چپاول فروتنتر ، و بدست آوردن پول و دارایی های زیادتر هر رذالتی را پزیرا میشوند ، حتا خیانت بوطن و مادر خود را ... آنها ، آن وجدان مُرده های قانونی چشمه های انسانیت و آرامش را می خشکانند ، مهر و محبت ، لطافت عشق و مفهوم خانواده را با بی رحمی نابود میسازند ، آن حرامباره های قانونی تمام داشته های مادی و معنوی ملتی را تباه میکنند ، و مُراوده های انسانی را با تولید و ترویج فقر ، گرسنگی ، وحشت ، مواد مخدر ، بی دانشی ، بیکاری ، آوارگی و دهها مصیبت دگر آلوده ، گنبدیده ، کثیف و خالی از باور و اعتماد میسازند .

( امیران غیرقانونی ) در سایه های قانون جنگلی شان ، گذشته از دریای اشک و خون ملت به سریر و مسند که « قانونی » حق شان نیست با زور « **تفنگ و تریاک و تقلب** » تکیه زده اند و به توده های تحت ستم دهن کجی مینمایند ، توده های که نگاه های غضب آلود و پُردرد شان مانند پیکان های تیز به صورت تاریخ میخورد ، زمان این را بیاد خواهد داشت .

( قانونی ) های غیر قانونی برای کارگزاران اموردینی ، دکاندارهای ترفندباز و ریایی عقیده و ایمان هم حق قانونگزاری میدهند ، تا با انجام امور دولتی در سایه دین ، یا کار دینداری در پناه دولت ، خرد و باور انسان را نابود بسازند ، و نور حق و دانش را در پستوی تاریک اندیشه سود جویانه شان بگشند ، تا معنای قفس و قبر و قیامت شکل قانونی اختیار نماید ... اگر خرد آزاد باشد همواره در روشنایی اندیشه ، سازنده و انسانی قضاوت

خواهد کرد ، اما آنها ، آن مامولک های دین ، خردگرایی را نمی خواهند ، برای اینکه دکان دین پرستی های زمینی شان برای همیشه بسته می‌گردد ، مثل دین پرستی سرمایه ، دین پرستی زور ، دین پرستی حرص و آز و شهوت ، دین پرستی سیاست های مردم فریبانه ، دین پرستی نژاد و زبان ، دین پرستی استعمار ، استثمار و استبداد و غیره کار های ( غیرقانونی و غیر دینی ) شان .

« آنهاى كه جاهل بدنیا می آیند ، كودن میمانند و نافهم از جهان میروند ، مواد كار آمد برای مرام های غیر انسانی بی دین های ( دین ساز ) اند ، تا با نشان دین در پیشانی و کلید بهشت در گردن ، خود را منفجر سازند و سرزمینی را به قفس و قبر و قیامت تبدیل نمایند؟! »

بعد انفجار دستوری ، و بعد نابودی ها ویرانی ها ، رژیم غیرقانونی ( قانونی ها ) با چهره معصومانه روحانی واژه های ( نفرین و تقبیح ) را روی سنگ مزار نا پیدای کشته شدگان ترور و توطیه مینویسند ، و در آنطرف محراب رنگ شده با خون کسان ، ناکسان ضجه های درناک بیوه ها ، یتیم ها و بازماندگان شهدا را با بی اعتنایی از گوش بدر میکنند ، بعد آن حرام خور های ( غیرقانونی ) در مقابل خدای زور و سرمایه ، به سر و سینه شان بار بار صلیب میکشند که اهل و تبار ، و زن و فرزند شان دور و دور از حیطه قفس و قبر و قیامت آنطرف اقیانوس ها زنده استند ، آن دشمنان وطن و مردم بسیار ردیالانه در دل می خندند و با خود میگویند : که ما به یک اشاره بدار و به یک عشووه مقام این سرزمین را برای مردمان ( قانونی ) آن « قفس و قبر و قیامت » ساختیم!!؟

\*\*\*

به باور اینکه از ژرفنای این قیامت ، از دل سرد این قبر و از تنگناه این قفس قیامی برخیزد عصیانگر ، پُرسنیز ، خاشه سوز و مردمی ، قیام آتشین و شعله ورتار از قیام های « سوم حوت ، هرات ، چنداول ، بالاحصار ، کنرها ، افشار و ... » و دیگر بخش های افغانستان سرزمین آزادگان تاریخ ، قیامی درکار است تا قیامت خدا برپا شود برای نسل از خراتین ، تا تبار تبرکشان تباهی را قید قفس دست ساخت خودشان نموده و باقضاوت برحق مردم ستمدیده افغانستان و به حکم « قانونی » تاریخ دیار رنجبران قبر خود را بدست های تبه کار خود با بدنامی های ماندگار برکنند .

آنگاه از همه گور های دسته جمعی از هر گوشه این مُلک ، از پیکر سوخته هزارها شهید گمنام این صدا راجهان خواهد شنید (( نفرین ابدی بر شما ، بی وجدان ترین برده ها و غلام های حلقه بگوش سیستم های آدمخوار استعمار جهانی ، نفرین بر شما ))